



doi 10.22059/JWICA.2022.345458.1809

Representation of gender in the pictures of Roshd daneshamoz magazine and Osama magazine in Syria

Ghufran Brimo¹|Maryam Keshmiri²✉

1. PhD student of comparative and analytical history of Islamic arts, Department of Research of Art, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: brimoghufuran@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Painting, Faculty of Art, Alzahra University, Tehran, Iran. Email: m.keshmiri@alzahra.ac.ir

Article Info

Research Type:
Research Article

Received:
5 July 2022

Accepted:
11 September 2022

Keywords:
Gender, Socialization, Osama magazine, Roshd daneshamoz magazine.

Abstract

Children's and teenager's magazines, among other mass media, have an impact on the process of socialization. Because these magazines can induce, change and modify values, behaviors, and gender role patterns among children in various ways such as by choosing specific topics and targeted illustrations. This article aims to compare the images of "Osama" magazine in Syria and "Roshd daneshamoz" magazine in Iran from the perspective of gender. The purpose of this article is to compare the representation of gender in the images of Osamah magazine in Syria and Roshd al-Mashoz magazine in Iran. The analysis of the samples was done using Kress and Van Leon's model in the reading of social semiotics, which examines the images on three levels of representational, interactive and combined meaning. The results of the analysis of these three meanings showed that the pictures of these two magazines try to present common gender stereotypes to children. The roles of "woman-mother", "woman-grandmother" and "daughter" are present as a central or secondary role in most of the images of both magazines, and in none of the images are women in important social roles such as medicine or technical, and the representation of such roles completely forgotten. In examining the interactive meaning, it has been determined that most of the images are in the mode of presenting information and invite the viewers to their world. Far and medium views are mostly used in the representation of images. The combined meaning has caused a connection between the representational and interactive meaning, the use of the center-margin pattern, giving prominence to women and not using framing in most of the images of both magazines emphasize the role of women in them.

How To Cite: Brimo, Ghufran, & Keshmiri, Maryam (2023). Representation of gender in the pictures of Roshd daneshamoz magazine and Osama magazine in Syria. *Women in Culture & Art*, 15(1), 29-60.

Publisher: University Of Tehran Press.





فصلنامه زن در فرهنگ و هنر

سال ۱۵، شماره ۱
بهار ۱۴۰۲، ۶۰-۲۹



بازنمایی جنسیت در تصاویر مجله رشد دانش آموز در ایران و مجله آسامه در سوریه

غفران بریمو^۱ | مریم کشمیری^۲

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی تحلیلی هنرهای اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: brimoghufuran@gmail.com
۲. استادیار گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: m.keshmiri@alzahra.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴ تیر ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش:

۲۰ شهریور ۱۴۰۱

واژه‌های کلیدی:

جامعه‌پذیری، جنسیت، مجله آسامه، مجله رشد دانش‌آموز.

مجلات کودک و نوجوان از جمله رسانه‌های جمعی تأثیرگذار بر فرایند جامعه‌پذیری هستند؛ زیرا به روش‌های گوناگون مانند انتخاب موضوعات خاص و تصویرسازی‌های هدفمند می‌توانند موجب القا، تغییر و تعدیل ارزش‌ها، رفتارها و الگوهای جنسیتی در میان کودکان شوند. مجله آسامه در سوریه و مجله رشد دانش‌آموز در ایران، هر دو از چنین جایگاهی برخوردارند. این دو مجله با داشتن مخاطبان گسترده و نیز تولید چنددهه‌ای می‌توانند از طریق تصویر، در ساخت فضای فکری مخاطبان خود نقش بسیار پررنگی داشته باشند. پژوهش حاضر با نگاه به جایگاه برجسته این مجلات، در پی مقایسه بازنمایی جنسیت در تصاویر مجله آسامه در سوریه و مجله رشد دانش‌آموز در ایران است. تجزیه و تحلیل نمونه‌ها با استفاده از الگوی کرس و ون‌لیوون در خوانش نشانه‌شناسی اجتماعی صورت پذیرفته است. در این الگو، تصاویر در سه سطح معنای بازنمودی، تعاملی و ترکیبی بررسی می‌شود. نتایج تحلیل در این سه سطح نشان می‌دهد تصاویر این دو مجله کلیشه‌های رایج جنسیتی را به کودکان ارائه می‌کنند. نقش‌های «زن-مادر»، «زن-مادربزرگ» و «دختر» در جایگاه نقش‌های محوری یا فرعی در بیشتر تصاویر هر دو مجله بازنمایی شده و در هیچ‌یک از آن‌ها، نقش‌های مهم اجتماعی، مانند آنچه در حقیقت این دو جامعه اسلامی رخ می‌دهد، نمود نیافته است. سه سطح ارائه تصویر نیز بر پایه دیدگاه کرس و ون‌لیوون به این شرح است: در سطح بازنمودی، تصویرها در این مجلات، مخاطبان را به دنیای خوب فرامی‌خوانند. حضور زنان، بیشتر در امور وابسته به درون منزل است و آنگاه که بیرون از خانه ظاهر می‌شوند، نقش‌های عادی و سنتی را پذیرفته‌اند؛ در سطح تعاملی، تصویرها فاقد تماس است و طراحان، نماهای دور و متوسط را برگزیده‌اند. حتی زاویه دید از روبه‌رو انتخاب شده است. در سطح ترکیبی، ارتباط میان معنای بازنمودی و تعاملی را می‌بینیم. بدین‌صورت که با بهره‌گیری از الگوی مرکز-حاشیه، نقش زنان برجسته شده است. البته جایی که مردان نیز در تصویر حضور دارند، همچنان نقش زن، کم‌رنگ و حاشیه‌ای می‌شود. این گروه از تصویرها عموماً بدون قاب‌بندی است و همین امر در گشایش فضای تصویر و موفقیت در برجسته‌سازی بصری نقش زنان تأثیر مثبت داشته است.

استاد به این مقاله: بریمو، غفران و کشمیری، مریم (۱۴۰۲). بازنمایی جنسیت در تصاویر مجله رشد دانش‌آموز در ایران و مجله آسامه در سوریه. زن در فرهنگ و هنر، ۱۵(۱)، ۶۰-۲۹.



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

مقدمه

جامعه‌پذیری یک فرایند یادگیری اجتماعی است که در آن فرد از طریق تعامل اجتماعی، نقش‌ها، هنجارها و ارزش‌های اجتماعی را می‌آموزد و نگرش‌ها و الگوهای رفتاری مورد قبول جامعه را کسب می‌کند. جامعه‌پذیری جنسیتی از زیرمجموعه‌های جامعه‌پذیری به‌شمار می‌رود. والدین، خانواده، گروه دوستان، مدارس، دانشگاه‌ها، فرهنگ و رسانه‌ها بر روند کلیشه‌سازی و نقش‌های جنسیتی تأثیر می‌گذارند و از این مسیر، افراد رفتار خود را براساس تعریف زنانگی و مردانگی با توجه به فرهنگی تعریف می‌کنند که در اختیار آن‌ها گذاشته می‌شود.

نظریات بسیاری دربارهٔ رشد جنسیتی افراد از بدو تولد مطرح شده است که یکی از آن‌ها نظریهٔ یادگیری اجتماعی است. پیروان این نظریه باور دارند با آنکه تفاوت‌های بیولوژیکی دو جنس، بر تفاوت نقش‌های جنسیتی اثر دارد، رشد این نقش‌ها بیشتر تحت تأثیر عوامل اجتماعی است. براین اساس، یادگیری به معنای تغییر رفتار است که در نتیجهٔ تجربه یا تمرین به‌دست می‌آید (خسروی و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۵). در تئوری «مدل جنسیتی»، تأکید بر آن است که جنسیت، خصیصه‌ای بارز و مشاهده‌پذیر در جهان کودک است که هم به او و هم به دیگران مرتبط می‌شود. به همین سبب، این طرح‌واره ابتدا به‌وسیلهٔ مشاهده‌کردن پدید می‌آید (سامانی و خیر، ۱۳۸۰: ۱۶۰). «کتاب‌های کودکان، حس و درکی از مردانگی (مردبودن) و زنانگی (زن‌بودن) را در افراد ایجاد می‌کنند که مبتنی بر مجموعه‌ای از کلیشه‌های سنتی و تفکرات قالبی دربارهٔ نقش‌های جنسیتی است و بر همین اساس نیز در آینده، زندگی، اندیشه و رفتار فرد را تنظیم و هدایت می‌کنند. به همین سبب، در این تئوری استدلال می‌شود که بسیاری از ویژگی‌های نسبت‌داده‌شده به زنان و مردان، ریشهٔ زیست‌شناختی نداشته، بلکه اکتسابی است» (فروتن، ۱۳۹۰: ۴۷).

رسانه‌های قدرتمند و تأثیرگذار مانند مجلات، نقش انکارناپذیری در ساخت و درک کودک از جنسیت و نقش‌های وابسته به آن دارد؛ زیرا این رسانه‌ها (مجله) به‌مثابهٔ ابزاری کارآمد برای اجتماعی‌شدن و آموزش کودک است. نزدیکی و تشابه زندگی شخصیت‌های بازنموده در مجلات با شرایط عینی زندگی کودک سبب هم‌ذات‌پنداری گسترده میان او و شخصیت‌های بازنمایی‌شده می‌شود و امر تقلید از نقش‌های جنسیتی را تسهیل می‌کند. در این مجلات، موضوعات اجتماعی و فرهنگی در قالب داستان، شعر، مقاله و... به زبان و سبک مناسب برای کودکان و نوجوانان ارائه می‌شود و از این‌رو، پذیرش را دوچندان می‌کند؛ بنابراین، مجلات کودک و نوجوان در شکل‌گیری و ساخت نقش‌های جنسیتی جایگاه برجسته‌ای می‌یابند.

پژوهش حاضر با نگاه به همین جایگاه بر دو مجلهٔ آسامه (سوریه) و رشد دانش‌آموز (ایران) نظر دارد. از آنجا که زن در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است، زنان در جوامع اسلامی از ابتدا تاکنون با نقش‌های گوناگونی ظاهر شده‌اند. نقش‌های زنان مسلمان، بسته به دگرگونی‌های

فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و... در جوامع اسلامی، اندکی با یکدیگر تفاوت دارد. ایران و سوریه در جایگاه دو کشور اسلامی، دارای اعتقادات و سنن دینی مشترک‌اند، اما وجود اختلاف در جهت‌گیری فرهنگی، نظام اجتماعی و سیاسی در هریک از این دو کشور، موجب شکل‌گیری فرایندهای مختلف جامعه‌پذیری و در نتیجه تفاوت در نقش‌های فعال زنان در سطح جامعه شده است. این پژوهش با تمرکز بر نقش‌های زنان در دو کشور ایران و سوریه در دهه‌های اخیر، تصویرپردازی دو مجله‌آسامه و رشد دانش‌آموز را نقد و تحلیل می‌کند و با بهره‌مندی از نظریه‌نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر از کرس و ون‌لیوون به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: در مجلات آسامه و رشد دانش‌آموز، جنسیت چگونه بازنمایی شده است؟ برای پاسخ به این پرسش، هم‌زمان ویژگی‌های شخصیتی و ظاهری زنان نیز در مشاغل بازنموده در این مجلات بررسی می‌شود. همچنین پژوهش حاضر، با بررسی چگونگی بازنمایی حضور زنان در دو مجله‌یادشده در پی برجسته‌کردن تفاوت‌ها و فاصله‌گیری بازنمایی‌ها از حقایق نقش زنان مسلمان در جوامع امروزی است تا به ارتقا و بهبود سطح تصویرسازی مجله‌های کودک و انطباق آن‌ها با نقش‌های ملموس زنان در دنیای حاضر یاری رساند. مجلات یادشده در شکل‌دهی به ذهنیت کودکان و نوجوانان از موقعیت‌های زنان تأثیری انکارناپذیر دارند و هرچه این شکل‌دهی با حقایق جامعه انطباق بیشتری داشته باشد، جامعه‌پذیری و درک اجتماعی کودک افزوده خواهد شد.

پیشینه پژوهش

موضوع جامعه‌پذیری و تعریف نقش‌های جنسیتی در آثار مربوط به کودکان و نوجوانان در سال‌های اخیر، بسیار مورد توجه بوده است. در ایران نیز برخی پژوهشگران به این موضوع پرداخته‌اند؛ برای نمونه فروتن (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌پذیری جنسیتی در کتاب‌های درسی مدارس ایران» در چارچوب نظریه جنسیت نشان می‌دهد نوعی سوگیری جنسیتی به نفع موقعیت مردان و نقش‌های مردانه در کتاب‌های درسی دبستان وجود دارد و نقش‌های جنسیتی سنتی زنانه که خانه‌محور است، بازتولید شده‌اند و از سوی دیگر مردان در نقش‌های اجتماعی ترسیم شده‌اند. حاضری و خرمی (۱۳۹۱) در «بازنمایی جنسیت در کتب فارسی مقطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹» به این نتیجه می‌رسند که زنان بازنمایی شده در اندک موارد حضور، موجوداتی ضعیف، عاطفی، نیازمند کمک و مطیع مردان هستند. در مقابل، مردان در موارد بسیار، حاضر در اجتماع، صاحب قدرت، دانا و عاقل، مدیر و کاردان، شجاع و جنگنده به تصویر درآمده‌اند. برکت و شفیعی (۱۳۹۸) در بررسی «نشانه‌شناسی اجتماعی حضور زنان در تصاویر کتاب‌های غیردرسی کودکان» بیان می‌کنند که تصویرگران کتاب‌های غیردرسی در فرایند جامعه‌پذیری با کلیشه‌های جنسیتی مواجه‌اند و ناآگاهانه، تقدم جنسیتی و اولویت را به مردان داده‌اند. در این آثار، زنان در موقعیت‌های حاشیه‌ای‌تر و در خانه و خانواده به تصویر کشیده شده‌اند. محمدتقی‌نژاد، قاسمی و نوروزی (۱۳۹۴) در

پژوهش «تحلیل محتوای مقایسه‌ای تصاویر کتاب‌های درسی ایران و سوریه با تأکید بر نابرابری نقش‌های جنسیتی» دریافته‌اند که جنس مؤنث بیشتر در سنین کودکی به تصویر کشیده شده است و در سنین بالاتر در نقش مادری، معلمی و پرستاری قرار گرفته‌اند، ولی جنس مذکر بیشتر در سنین جوانی نمایش داده شده‌اند که عهده‌دار مشاغل تخصصی، سخت، حرفه‌ای، تولیدی و خدماتی هستند.

مشایخ و طاهری (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل محتوای مجله رشد دانش‌آموز براساس الگوی خلاقیت پلسک»، مجله رشد دانش‌آموز را در شش ماه اول سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ به‌عنوان نمونه تحقیق برگزیدند و محتوای آن‌ها را براساس چرخه خلاقیت پلسک و با روش آنتروپی شانون بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد در این مجله، رعایت مؤلفه‌های خلاقیت پلسک، بسیار کم است و هماهنگی لازم در رعایت اکثر مؤلفه‌ها و در همه ابعاد وجود ندارد. شاه‌محمدی (۱۳۹۸) نیز در «ارزیابی مجله رشد دانش‌آموز از نگاه کارشناسان، معلمان و دانش‌آموزان» نظرات ۲۵ کارشناس، ۳۸ آموزگار و ۸۸۰ دانش‌آموز پایه ششم را از شش استان کشور گرد آورد و با بهره‌گیری از فرمول کوکران تحلیل کرد. او نشان داد مجله رشد دانش‌آموز، بر پایه نظرات هر سه گروه از جذابیت و کارایی لازم برخوردار است و محتوایی متناسب با نیازهای دانش‌آموزان دارد. پژوهش حاضر در ادامه آنچه تاکنون صورت گرفته است، بررسی را به‌ویژه با تمرکز بر جامعه‌پذیری و در مقایسه با مجله مشابه در کشور سوریه پیش می‌برد. مشابهت‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی جوامع مسلمان از جمله ایران و سوریه، نتایج این مقایسه را برای هر دو کشور کارآمد می‌سازد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش در بخش‌های آغازین، نگاهی توصیفی-تحلیلی دارد و در بخش پایانی به شیوه تطبیقی (مقایسه) با استفاده از نظریه کرس و ون‌لیوون (۱۹۹۶) در خوانش نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر پیش می‌رود. این نظریه که مبتنی بر تحلیل تصاویر در سه سطح معنای بازنمودی، تعاملی و ترکیبی است، شباهت‌ها و تفاوت‌های دو جامعه اسلامی را بهتر نشان می‌دهد. دو نشریه انتخاب شده نیز مجلات آسامه و رشد دانش‌آموز است. آسامه یک ماهنامه است که توسط وزارت فرهنگ سوریه منتشر می‌شود. اولین شماره آن در سال ۱۹۶۹ انتشار یافت و امروزه ماهیانه حدود ۲۵ هزار نسخه از این نشریه ۴۲ صفحه‌ای، چاپ و در تمامی استان‌های سوریه توزیع می‌شود. آسامه با هدف توسعه آگاهی کودکان عرب از ارزش‌های ملی می‌کوشد سرگرم‌کننده و آموزنده نیز باشد. این نشریه همچنین کودکان سوریه را با واقعیات روزمره جامعه‌ای که مبتنی بر وحدت، آزادی و سوسیالیسم است، آشنا می‌سازد. انتشار مجله رشد دانش‌آموز از اسفند ۱۳۲۷ با نام دانش‌آموز آغاز شد. پس از انقلاب اسلامی در مهرماه ۱۳۶۸، انتشار این نشریه با نام امروزی آن، رشد دانش‌آموز، از سوی وزارت آموزش و پرورش از سر گرفته شد. مجله در یک سال

تحصیلی ۹ شماره منتشر می‌کند و دارای ۱۶ صفحه متن است. مطالب مجله بر سه محور مهم سرگرمی، آموزش و تزکیه، تهیه و تنظیم شده است.

مجلهٔ آسامه و رشد دانش‌آموز بر پایهٔ اشتراکات گوناگون در این پژوهش برگزیده شدند: هر دو نشریه برای مخاطبان ۹-۱۱ سال منتشر می‌شوند. همچنین هر دو نشریه، از جمله نشریات رسمی کشورها هستند که طی سال‌های متمادی در این کشورها منتشر می‌شوند. این مجلات، مکمل کتاب‌های درسی در امر آموزش رسمی ایران و سوریه‌اند. پس با توجه به جایگاه و گستردگی مخاطبان می‌توانند بر جامعه‌پذیری و تعریف نقش‌های جنسیتی نقش بسزایی داشته باشند.

به سبب دسترسی‌نداشتن به تمامی شماره‌های مجلات، در بازهٔ زمانی مشترک، نه شمارهٔ اخیر هر دو نشریه را بررسی کردیم و در این میان، ۲۵۳ تصویر با محوریت بازنمایی زن/ دختر مدنظر بود. نمونه‌گیری از تصویرها با درنظرداشتن سه ویژگی صورت پذیرفت: بزرگی تصویر که بر اهمیت نقش زن و چشمگیر بودن آن در صفحه تأکید دارد، روایی بودن تصویرها یا تصویرهای داستانی و جایگاه زنان در تصویر (زنان مشهور یا دخترانی با استعدادهاى برجسته). خلاصهٔ این مباحث در جدول ۳ آمده است. با درنظرداشتن ویژگی‌های یادشده، ۴۰ تصویر (۲۵ نمونه از آسامه و ۱۵ تصویر از رشد دانش‌آموز) انتخاب شد. به دلیل محدودیت، آنچه در متن ارائه می‌شود، سه تصویر از هر مجله است که بیش از دیگر تصویرها امکان بررسی نقش زنان را به پژوهشگران داده است، اما نتایجی که در قسمت نتیجه‌گیری این پژوهش آمده، با نگاه به ۴۰ تصویر برگزیده است.

جنسیت

جنسیت، مشخصهٔ زیستی نیست، بلکه نقشی است که جامعه آن را در روند تربیت، تعریف و القا می‌کند. نقش جنسیتی، برساختی است که مختصات زنانگی و مردانگی را در اجتماع تعریف می‌کند؛ برای نمونه در جوامع مشخص، نقش‌های جنسیتی شیوهٔ آرایش و پوشش زنان را مشخص و متمایز از مردان می‌کنند (عابدینی بلترک، لیاقت‌دار و منصورى، ۱۳۹۳: ۲۰)؛ بنابراین، آنچه با عنوان نقش‌های ذاتی و طبیعی زنان و مردان در جامعه مطرح می‌شود، حاصل نوعی ارزش‌گذاری و تقسیم‌کار جنسیتی است که عموماً در جهت بازتولید انواعی از تبعیض عمل می‌کند و همواره درصد است این ارزش‌گذاری‌ها را از طریق متون مختلف به‌عنوان امری طبیعی به جامعه القا کند (آقایی، ۱۳۹۲: ۷). علاوه بر الگوی نقش‌های جنسیتی در زندگی واقعی، کودکان با منبعی غنی از مدل‌های نمادین در رسانه‌های همگانی مانند تبلیغات، فیلم‌ها، کتاب‌های مختلف، مجله‌ها و... مرتبط هستند که از آموزش‌های غیررسمی به‌شمار می‌روند و «به دلیل عدم وجود هیچ‌گونه اجبار و محدودیتی نظیر آموزش رسمی، تأثیر مطالب و انتقال‌پذیری مفاهیم در آن عمیق‌تر و آسان‌تر صورت می‌گیرد» (محمدی آزاده و باب‌الحوائجی،

۱۳۸۹: ۱۰۴). هرکدام از این رسانه‌ها به نحوی در انتقال پیام‌ها، ایدئولوژی‌ها یا واقعیت‌های اجتماعی نقش دارند و در بیشتر آن‌ها، زنان باید به شیوه‌ای زنانه و مردان به شیوه‌ای مردانه رفتار کنند (گرت، ۱۳۸۰: ۹۴-۹۶).

نقش‌های جنسیتی را می‌توان در سه دسته از هم متمایز کرد: ۱. نقش‌ها و رفتارهای مختلف در درون خانواده که خود را در قالب پدیده‌هایی مانند چندهمسری، پدرسالاری، کدبانویی از جانب زن و رفتار (کنش) خشونت‌آمیز از جانب مردان نشان می‌دهد؛ ۲. نقش‌های اجتماعی و سیاسی: زنان اگر هم در سطوح اجتماعی فعال باشند، در سطوح کوچک‌تر و محلی فعال‌اند و نقش‌های حاشیه‌ای و جنبی را در اجتماع بازی می‌کنند و به‌عنوان سوژه جنسی مطرح می‌شوند؛ ۳. نقش‌های حرفه‌ای و شغلی. با نگاه جنسیتی، مشاغل به دو بخش زنانه و مردانه تقسیم می‌شود که براساس آن، کمیت و کیفیت حضور زنان و مردان در داخل و خارج خانه و انواع فعالیت‌های اجتماعی متفاوت (نا برابر) می‌شود. از منظر خصوصیات شخصیتی، مردان آفریننده، تصمیم‌گیر و اهل عمل هستند (فعال)، اما زنان وابسته و نظاره‌گر (منفعل). همچنین صفاتی مانند ضعیف، ترسو، بدون قدرت، کم‌هوش، حيله‌ورز و عاطفی را به زنان و صفاتی مانند مستقل، استوار، شایسته، توانا، مصمم، مهاجم و متجاوز را به مردان نسبت می‌دهند (تقی‌پور، یآوری و مراثی، ۱۳۹۸: ۷۵). پژوهش حاضر در بازمینی تصویر مجلات، از یک سو به دسته‌بندی‌های پذیرفته‌شده نقش‌های جنسیتی که در بالا آمد، نظر دارد و از سوی دیگر متکی بر نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر پیش می‌رود. از این‌رو، پیش از ورود به بررسی تصویری باید مروری بر نظریه یادشده داشت.

نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر براساس نظریه کرس و ون لیوون

آثار مهم کرس و ون لیوون (۱۹۹۶) دربردارنده اولین چارچوب نشانه‌شناسی اجتماعی برای تحلیل تصاویر است. علاقه کرس به بعد تصویر در اثرش به نام *نشانه‌شناسی اجتماعی*^۱ آشکار است. همین علاقه در دو اثر دیگرش با نام‌های *خواندن تصاویر*^۲ و *خواندن تصاویر دستور طراحی تصویری*^۳ نیز که با همکاری ون لیوون به نگارش درآمدند، دیده می‌شود. در کتاب *خواندن تصاویر* برای گسترش دستور خواندن تصویرها، این دو پژوهشگر بر تحلیل تصویرها در حوزه ادبیات آموزشی کودکان تمرکز کردند. در دومین کتاب مشترک آن‌ها، همین روند با تصویرهای بیشتر از رسانه‌هایی مانند آثار تبلیغاتی، مقالات، نقشه‌ها، تصویرهای هنری و انواع نمودارها گسترش یافت. در همه این آثار که تلاشی مشابه برای تعریف ماهیت ارتباط است، نفوذ مایکل هلیدی و دستور نقش‌گرایی وی به‌شدت دیدنی است (نظری طرهان، ۱۳۹۵: ۲۷). این

1. social semiotics

2. reading images

3. Reading images: the grammar of visual design

دو پژوهشگر خود می‌نویسند: «مفهوم نظری فراتقش را از کار مایکل هالییدی برای این هدف اقتباس کرده‌ایم. سه فراتقش که او قرار می‌دهد اندیشگانی، بینافردی و متنی است. در شکلی که در اینجا آن‌ها را بیان می‌کنیم، همگی به همهٔ حالت‌های نشانه‌شناختی اعمال می‌شوند و خاص به گفتار و نوشتار نیستند» (Kress & Van Leeuwen, 2006: 41-42). کرس و ون‌لیوون این ایده را با اندک تغییری در کلمات برای تصویرها نشانده‌اند و از اندیشگانی به معنای بازنمودی^۱، از بینافردی به معنای تعاملی^۲ و از متنی به معنای ترکیبی^۳ بهره برده‌اند (Hemais, 2014: 117). در ادامه، مرور این سه فراتقش آمده است که براساس آن‌ها تصاویر مجله‌های آسامه و رشد دانش‌آموز بررسی می‌شود.

معنای بازنمودی

معنای بازنمودی تصویر به معنی پاسخی است که به سؤال «این تصویر درمورد چیست» داده می‌شود؛ برای نمونه، پاسخی که موضوع تصویر را شرح می‌دهد، اشیای درون تصویر چه هستند یا افراد در این تصویر به چه کار مشغول‌اند و مانند این‌ها (Harrison, 2003: 50). کرس و ون‌لیوون الگوهای بصری را براساس کاربری‌های آن‌ها در به‌وجودآوردن رابطهٔ معنادار میان جزءهای تصویر گروه‌بندی کردند. بر همین اساس دو نوع الگو عبارت‌اند از: اول، الگوهای روایتی^۴ که جزءها را بر مبنای صورت‌دادن یا به‌وقوع‌پیوستن به یکدیگر ربط می‌دهند؛ و دوم الگوهای مفهومی^۵ که جزءها را بر مبنای ویژگی‌های عمومی و مداوم ذاتی خود بازنمایی می‌کنند. کار الگوهای مذکور، نمایان‌ساختن موقعیت، معنادادن به اجزا یا الحاق کردن به دسته یا خصوصیات معین و مشخص است (مصلح‌زاده و آشوری، ۱۳۹۶: ۷۹). گزینش هریک از این الگوها بسیار مهم است؛ زیرا انتخاب یک الگو به هدف بازنمایی در یک قالب روایی یا مفهومی، رویکردی حساس در جهت فهم گفتمانی است که واسطهٔ بازنمایی است. تصاویر روایتگر به‌واسطهٔ حضور بردار^۶ تشخیص داده می‌شوند و بیان‌کنندهٔ انجام کار یا رویدادند. این بردار، خط موربی است که اجزای تصویر را به هم ارتباط می‌دهد و پرسش از ارتباط میان آن‌ها را ایجاد می‌کند. بردار می‌تواند مسیر نگاه، دنبالهٔ اشارهٔ دستان و انگشتان شخصیت‌های بازنموده و مانند این‌ها باشد (Jewitt & Oyama, 2001: 141). تصاویری که دارای الگوی روایی‌اند، به بیننده اجازه می‌دهند تا به داستانی درباره‌ی شرکت‌کنندگان در تصویر برسد؛ زیرا این‌گونه تصویرها، شامل برداری از حرکت هستند. این الگوها با اعمال و حوادث توصیفی شناخته می‌شوند و نه

-
1. representational meaning
 2. interactive meaning
 3. compositional meaning
 4. narrative process
 5. conceptual process
 6. vector

بیان و توصیف حالت آن‌ها (نظری طرهان و صابری، ۱۳۹۶: ۱۲۲).
 الگوهای روایتی را می‌توان براساس انواع بردار و تعداد و نوع شرکت‌کنندگان تشخیص داد. براساس دیدگاه کرس و ون‌لیوون (۱۹۹۶) این الگوها به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: کنشی و واکنشی. در فرایندهای کنشی، کنشگر شرکت‌کننده‌ای است که بردار از او نشئت می‌گیرد یا خود به‌طور کامل یا جزئی، بردار را تشکیل می‌دهد. فرایندهای کنشی نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند: تصاویر گذرا^۱ و تصاویر ناگذرا^۲. اگر در تصویری دو یا بیش از دو شرکت‌کننده حضور داشته باشند، یعنی هم کنشگر و هم هدف در تصویر باشند، آن تصویر «تصویری گذرا» خواهند بود. برتری کنشگران می‌تواند از طریق اندازه، محل ترکیب، کنتراست در برابر پس‌زمینه، اشباع رنگ یا وضوح تمرکز نشان داده شود. وقتی تصاویر فقط یک شرکت‌کننده دارند، ساختار حاصل را ناگذرا می‌نامند؛ بنابراین در این ساختار، کنش پدیدآمده فاقد هدف، اشاره یا فعلیت‌یافتن به‌سوی کسی یا چیزی است (Kress & Van Leeuwen, 2006: 63-64).

فرایندهای واکنشی فرایندهایی هستند که در آن‌ها شرکت‌کنندگان بازنمود یافته توسط یک واکنش مشخص می‌شوند. آن واکنش به‌وسیله جهت نگاه یکی از شرکت‌کنندگان، یعنی واکنشگر مشخص می‌شود. از آنجا که واکنش نشان‌دادن به چیزی از ویژگی‌های ذاتی یک موجود زنده است؛ واکنشگران لزوماً باید انسان یا حیوانات شبیه انسان باشند (Kress & Van Leeuwen به نقل از نظری طرهان، ۱۳۹۵: ۳۰). بهره‌گیری از مفاهیم (کنش، واکنش، واکنش گذرا، ناگذرا) در تحلیل متن دیداری سبب می‌شود سؤالات معینی در بعد اجتماعی مطرح شود، مانند اینکه «در مجموعه‌ای از تصاویر، نقش کنشگر به چه افرادی داده شده و چه افرادی اغلب نقش هدف کنش را برعهده داشته‌اند» (تقی‌پور، یآوری و مرائی، ۱۳۹۸: ۶۹). این پرسش در بحث حاضر راهگشا است.

کلیه تصویرهایی که دربرگیرنده بردار کنشی نباشند، مفهومی هستند. این تصاویر، اشخاص، مکان‌ها و پدیده‌ها را تعریف، تحلیل و طبقه‌بندی می‌کنند. فرایند مفهومی در این تصاویر را می‌توان سه گونه دانست: طبقه‌بندی^۳، تحلیلی^۴ و نمادین^۵. فرایند طبقه‌بندی در تصاویر، اشخاص، مکان‌ها یا اشیای مختلف را در یک تصویر می‌آورد و آن‌ها را به‌طور متقارن در فضای تصویر قرار می‌دهد تا وجوه اشتراک آن‌ها برجسته و تعلقشان به یک طبقه آشکار شود. فرایندهای تحلیلی، مشارکت‌کنندگان را از دیدگاه ساختار جزء به کل به یکدیگر ربط می‌دهند. آن‌ها شامل دو مشارکت‌کننده حامل^۶ (کل) و چند شاخص ملکی^۱ (اجزا) هستند (Jewitt &

1. transactional
2. non-transactional
3. classificational processes
4. analytical processes
5. symbolic processes
6. the carrier

می‌کنند. ویژگی‌های نمادین از طریق یک یا چند مورد از ویژگی‌ها شناسایی می‌شوند: اول، آن‌ها که در نمایش برجسته می‌شوند، برای مثال با اندازه، موقعیت، رنگ و استفاده از نور؛ دوم، ویژگی‌هایی که به آن‌ها اشاره می‌شود، مانند پیکان که فهم تصویری یک مشارکت‌کننده را به فهم زبانی آن وصل می‌کند. سوم، آن‌ها که خارج از تصویر به نظر می‌رسند؛ و چهارم، آن‌ها که به‌طور قراردادی با ارزش‌های نمادین مرتبط هستند (Kress & Van Leeuwen, 2006: 105).

معنای تعاملی

تصاویر می‌توانند روابط خاصی میان بیننده و جهان درون قاب تصویر خلق کنند. در این حالت، با بینندگان تعامل دارند و آن‌ها را ترغیب می‌کنند که گرایش مشخصی در قبال آنچه بازنموده می‌شود، داشته باشد. سه عامل، نقش‌هایی کلیدی در فهم این معانی بازی می‌کنند: تماس^۱، فاصله^۲ و زاویه دید^۳. این عوامل با هم می‌توانند ارتباطی پیچیده و دقیق، میان بیننده و بازنموده خلق کنند (Jewitt & Oyama, 2001: 145).

تماس

زمانی که شرکت‌کنندگان در تصویر به بیننده نگاه می‌کنند، بردارها که توسط چشم بیننده شکل گرفته، شرکت‌کنندگان را به بیننده وصل می‌کند و در نتیجه تماس ایجاد می‌شود (Kress & Van Leeuwen, 2006: 117). کرس و ون‌لیوون، چنین تصاویری را تصاویر تقاضا^۴ می‌نامند. نبود این تماس، نگاه بیننده را نسبت به شخصیت‌های درون تصویر دچار تغییر می‌کند. بیننده در چنین موقعیت‌هایی، آن‌ها را در وضعیتی گسسته، غیرشخصی و نمایشی درمی‌یابد. کرس و ون‌لیوون، این تصاویر را نشان‌دهنده^۵ نام‌گذاری کرده‌اند (Jewitt & Oyama, 2001: 145).

فاصله

فاصله یا اندازه قاب تصویر به معنای رابطه‌های گوناگون بین کنشگرهای بازنمایی شده و بیننده است و بسته به فاصله میان آن‌ها، درجه‌ها و سطوح گوناگون صمیمیت را ایجاد می‌کند. این روابط را می‌توان در سه دسته جای داد: شخصی، صمیمی‌تر یا غیرشخصی (تقی‌پور، یاوری و مراثی، ۱۳۹۸: ۷۰). فاصله می‌تواند از نوع نمای نزدیک، نمای خیلی نزدیک، نمای متوسط

-
1. possessive attribute
 2. contact
 3. distance
 4. perspective
 5. demand
 6. offer

نزدیک، نمای متوسط، نمای متوسط دور، نمای دور و نمای خیلی دور باشد. در نمای نزدیک، فقط سر و شانه فرد را نشان می‌دهند؛ نمای خیلی نزدیک، کمتر از آن است؛ نمای متوسط، نزدیک به سوژه است و از کمر به بالا را شامل می‌شود. نمای متوسط، برای شرکت‌کنندگان انسانی، تقریباً از زانو به بالا است. نمای متوسط دور، کل بدن فرد را نشان می‌دهد، اما در نمای دور، پیکره فرد فقط نیمی از ارتفاع صحنه را اشغال می‌کند؛ نمای بسیار دور، گسترده‌ترین حالت است و در آن، پیکره در ارتفاع کمی از کل صحنه جای می‌گیرد (Kress & Van Leeuwen, 2006: 124). نمای نزدیک، یک رابطه فردی صمیمی را القا می‌کند. نمای متوسط، روابط اجتماعی را بهتر نشان می‌دهد و نمای دور، یک رابطه غیرفردی را بیان می‌کند. البته این بدان معنا نیست که افراد در نمای نزدیک، در واقع به ما نزدیک هستند. بلکه بدین معنا است که آن‌ها به گونه‌ای نشان داده می‌شوند که گویی متعلق به گروه ما هستند یا باید متعلق باشند (Jewitt & Oyama, 2001: 146).

زاویه دید

زاویه دید، سومین عاملی است که در فهم بیننده از تصاویر مؤثر است. زاویه دیدهای مختلف می‌توانند معانی گوناگون را به شکل ضمنی و بالقوه به مخاطب برسانند؛ برای مثال زاویه دید عمودی به شکل نمادین با قدرت مرتبط است. چنانچه از بالا به چیزی بنگرند، نشانگر قدرتمندی و مسلط بودن بر آن است و چنانچه از پایین به آن نگاه شود، قدرت نمادین آن به بیننده القا می‌شود. از سوی دیگر، زاویه تصویرهای هم‌سطح چشم، نشان‌دهنده تعادل و مساوات در قدرت و تسلط است. زاویه دید افقی به میزان درگیری بیننده با موضوع یا جدایی آن‌ها از هم مربوط می‌شود؛ برای نمونه، زاویه دید افقی می‌تواند جلویی و نشان‌دهنده درگیر بودن یا مورب باشد و جدایی را ترسیم کند. زاویه روبه‌رو بیشترین سطح درگیری را ایجاد می‌کند (Kress & Van Leeuwen, 2006: 133-140). در حالتی که تصویر از کنار یا نیم‌رخ است، بیننده در کناره موضوع می‌ماند. به این ترتیب نوع زاویه دید بیننده به اثر مشخص می‌کند که خالق تصویر، مخاطب را دعوت به مشارکت و تعامل در تصویر می‌کند یا اینکه تمایلی به تعامل با بیننده ندارد و می‌خواهد از او دور بماند (تقی‌پور، یآوری و مرانی، ۱۳۹۸: ۷۰).

معنای ترکیبی

در جهت درک معنای ترکیبی، سه عنصر ارزش اطلاعات، برجستگی و قاب‌بندی بسیار مهم هستند.

ارزش اطلاعات

ارزش اطلاعات به روش چیدن عنصرهای بصری در ترکیب ویژه اثر گفته می‌شود؛ به این معنی

که عنصر بصری مشخص در طرف راست یا چپ، بالا یا پایین، مرکز یا حاشیة فضای تصاویر و متن جای گیرد (Kress & Van Leeuwen, 2006: 177). در فرهنگ‌های گوناگون، جهات نوشتاری، متفاوت و ویژه همان فرهنگ‌ها است؛ برای نمونه، جهت نوشتار فارسی و عربی از راست به چپ، جهت نگارش در انگلیسی و فرانسه از چپ به راست است؛ بنابراین با نگاه به فرهنگ و زبان مدنظر، جهتهای نوشتن معانی متفاوتی می‌یابند (رضائی و سجودی، ۱۳۹۴: ۱۲۳)؛ برای مثال، در زبان‌های انگلیسی چیدمان چپ-راست بیانگر آن است که عناصر سمت چپ «داده‌شده» هستند، اما عناصر سمت راست، جدید و تازه‌اند که قابل بحث و مجادله دانسته می‌شوند. این برداشتی است که همگان بر سر آن توافق دارند (Jewitt & Oyama, 2001: 148). از این رو است که در ارائه اطلاعات عمومی، معمولاً سمت چپ انتخاب می‌شود و برای ارائه اطلاعات خاص، سمت راست ارجح است (Van Leeuwen, 2005: 201).

برجستگی

برجستگی به این معنا است که عناصر بصری در تصویر چنان ظاهر شوند که هریک به اندازه کافی، توجه بیننده را به خود جلب کنند. با این کار، عناصر بصری می‌توانند بسته به اهمیت، در پیش‌زمینه یا پس‌زمینه جای گیرند. این برجستگی به‌طور عینی قابل اندازه‌گیری نیست، اما از تعامل پیچیده‌ای ناشی می‌شود: یک رابطه مبادله‌ای پیچیده میان برخی عوامل مانند اندازه، کنتراست، تضاد رنگ، پرسپکتیو (اشیای پیش‌زمینه، برجسته‌تر از اشیای پس‌زمینه هستند و عنصری که روی عناصر دیگر جای می‌گیرند، برجسته‌تر از عناصری که با هم تداخل دارند، دیده می‌شوند) و نیز عوامل فرهنگی کاملاً خاص، مانند ظاهر یک شخصیت انسانی یا یک نماد فرهنگی قوی (Kress & Van Leeuwen, 2006: 202).

قاب‌بندی

ابزارهای قاب‌بندی قادرند عناصر بصری تصویر را به هم پیوند دهند یا از یکدیگر جدا سازند. قاب‌بندی مشخص می‌سازد که عناصر تصویر به کدام گروه یا مسئله تعلق دارند (جواهری، قیطوری و مراثی، ۱۳۹۷: ۶۶). کرس و ون لیوون معتقدند هرچه قاب‌بندی یک عنصر قوی‌تر باشد، درک آن عنصر در جایگاه یک واحد اطلاعاتی جداگانه پررنگ‌تر است (Kress & Van Leeuwen, 2006: 203).

اکنون بر پایه مروری که در بالا آمد، تصویر زنان و نقش‌های برآمده از آن‌ها در جامعه آماری پژوهش حاضر بررسی می‌شود. جدول ۱، جامعه آماری را به شکلی تفصیلی نشان می‌دهد. در جدول ۲، تحلیل همه تصویرهای جدول ۱ براساس دیدگاه نشانه‌شناسی تصویر کرس و ون لیوون و در سه سطح بازنمودی، تعاملی و ترکیبی آمده است. با توجه به محدودیت نگارش، در بخش بعدی، سه تصویر برگزیده از هر مجله، مبتنی بر نظریه نشانه‌شناسی تصویر،

تحلیل و تبیین می‌شود.

جدول ۱. جامعه آماری پژوهش و نقش زن در آن

تصاویر مجله آسامه				
۵	۴	۳	۲	۱
				
(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ۸۱۷)	(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ش ۱۱۶: ۲۶)	(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ش ۱۱۶: ۱۴)	(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ش ۸۱۵: ۲۷)	(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ش ۸۱۵: ۱۲)
مادر	مادر	طراح	دختر، مراقبت از گیاه	مادر و دختر
۱۰	۹	۸	۷	۶
				
(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ش ۸۱۸: ۲۷)	(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ش ۸۱۸: ۵)	(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ش ۸۱۷: ۴۱)	(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ش ۸۱۷: ۳۶)	(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ش ۸۱۷: ۲۶)
بازیگر در تئاتر	دختر و زن خیاط	مادر	مادر و دختر	دختر
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
				
(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ش ۸۱۹: ۱۱)	(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ش ۸۱۹: ۱۱)	(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ش ۸۱۹: ۵)	(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ش ۸۱۸: ۲۷)	(مجله آسامه، ۲۰۲۱: ش ۸۱۸: ۲۰)
نوازنده	نوازنده	دختر روستایی	مادر و دختر خانه‌دار	دختر

تصاویر مجلهٔ آسامه				
۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶
				
(مجلهٔ آسامه، ۲۰۲۱، ش ۸۲۰: ۵)	(مجلهٔ آسامه، ۲۰۲۱، ش ۸۱۹: ۳۹)	(مجلهٔ آسامه، ۲۰۲۱، ش ۸۱۹: ۲۷)	(مجلهٔ آسامه، ۲۰۲۱، ش ۸۱۹: ۳۶)	(مجلهٔ آسامه، ۲۰۲۱، ش ۸۱۹: ۲۶)
پیروزن	خواننده	مادر	مادر	مادر خانه‌دار
۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱
				
(مجلهٔ آسامه، ۲۰۲۱، ش ۸۲۲: ۳۹)	(مجلهٔ آسامه، ۲۰۲۱، ش ۸۲۲: ۱۷)	(مجلهٔ آسامه، ۲۰۲۱، ش ۸۲۲: ۱۷)	(مجلهٔ آسامه، ۲۰۲۱، ش ۸۲۱: ۱۷)	(مجلهٔ آسامه، ۲۰۲۱، ش ۸۲۱: ۱۶)
سردبیر مجله	مادربزرگ	مادربزرگ	نقاش	مادر و دختر

تصاویر مجلهٔ رشد دانش آموز				
۵	۴	۳	۲	۱
				
(مجلهٔ رشد دانش آموز، ۱۳۹۹، ش ۳: ۵)	(مجلهٔ رشد دانش آموز، ۱۳۹۹، ش ۳: ۴)	(مجلهٔ رشد دانش آموز، ۱۳۹۹، ش ۱۲: ۳)	(مجلهٔ رشد دانش آموز، ۱۳۹۹، ش ۲۴: ۱)	(مجلهٔ رشد دانش آموز، ۱۳۹۹، ش ۹: ۱)
مادر و دختر یاری رسان	دختر	زن گل دوز	زن قالی باف	نویسندهٔ قصهٔ کودک

۱۰	۹	۸	۷	۶
				
(مجله رشد دانش آموز، ۱۴۰۰، ش ۴:۷)	(مجله رشد دانش آموز، ۱۳۹۹، ش ۶:۷)	(مجله رشد دانش آموز، ۱۳۹۹، ش ۶:۴)	(مجله رشد دانش آموز، ۱۳۹۹، ش ۵:۱۱)	(مجله رشد دانش آموز، ۱۳۹۹، ش ۵:۱۰)
دختر و مادربزرگ	دختر و مادربزرگ	مادر	مادر و دختر	عکاس
۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
				
(مجله رشد دانش آموز، ۱۴۰۰، ش ۹:۱۴)	(مجله رشد دانش آموز، ۱۴۰۰، ش ۸:۹)	(مجله رشد دانش آموز، ۱۴۰۰، ش ۸:۷)	(مجله رشد دانش آموز، ۱۴۰۰، ش ۷:۱۳)	(مجله رشد دانش آموز، ۱۴۰۰، ش ۷:۸)
مادر و دختر	معلم	دختر و مادربزرگ	آزمایشگر	عروسک ساز

منبع: نگارندگان

جدول ۲. تحلیل تصاویر جدول ۱ براساس نظریه نشانه‌شناسی تصویر کرس و ون لیوون

معنای ترکیبی (ارزش اطلاعات، برجستگی، قاب)	معنای تعاملی (تماس، فاصله، زاویه دید)	معنای باز نمودی (الگوی بصری، چیدمان، اشیا، اجزای همراه)	شماره تصویر	مجله آسامه
راست-چپ، دختر برجسته‌نمایی شده، قاب ندارد.	دختر در تماس با بیننده، نمای دختر متوسط نزدیک، نمای مادر متوسط. زاویه روبه‌رو	کنشگر: زن، دختر، کتاب‌ها و گریه، فضای داخل اتاق. کنش: مادر در حال سوال و نگرانی، دختر در حال گریه کردن.	۱	
مرکز حاشیه، مادر برجسته‌نمایی شده به لحاظ رنگ و موقعیت مرکزی، قاب ندارد.	ارائه‌دهنده، نمای مادر متوسط، زاویه دید مورب	کنشگر: مادر، کتری، پرنده و درختان، نمای بیرونی: در باغ کنش: آب دادن به درختان	۲	
مرکز حاشیه، دختر برجسته‌نمایی شده به لحاظ کنتراست لباس او با پس‌زمینه، قاب ندارد.	دختر در تماس با بیننده، نمای نزدیک، زاویه روبه‌رو	کنشگر: دختر، تابلوها، فضای داخلی گالری کنش: نگاه دختر به بیننده	۳	

معنای ترکیبی (ارزش اطلاعات، برجستگی، قاب)	معنای تعاملی (تماس، فاصله، زاویه دید)	معنای بازنمودی (الگوی بصری، چیدمان، اشیا، اجزای همراه)	ردیف	مجله آسامه
راست-چپ، برجستگی مادر به واسطه اندازه و لباس گل دار، قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای مادر متوسط نزدیک نمای پسر نزدیک، زاویه روبه‌رو	کنشگر: مادر، پسر، ساعت دیواری، فضای داخل اتاق کنش: نگاه کردن مادر و پسر به ساعت دیواری، احساس ناراحتی پسر، ساعت با حالت چهره فریبنده	۴	
مرکز حاشیه، برجستگی مادر و پسر به دلیل اندازه، قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای مادر متوسط، نمای پسر متوسط نزدیک، زاویه روبه‌رو	کنشگر: مادر، پسر، فضا نامشخص کنش: حرف زدن مادر و پسر	۵	
مرکز حاشیه، برجستگی دختر به علت حالت چهره و پرداختن به جزئیات، قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای متوسط، زاویه روبه‌رو	کنشگر: دختر، فضا نامشخص کنش: گذاشتن دست‌ها بر سینه و نگاه کردن به بالا	۶	
مرکز حاشیه، مادر به دلیل اندازه و پرتو نور برجسته شده است، قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای مادر متوسط، نمای دختر متوسط نزدیک، زاویه روبه‌رو	کنشگر: مادر، دختر، عروسک کیسه‌های خرید و بادکنک‌ها فضای بیرونی: در بازار کنش: حرف زدن، حرکت کردن	۷	
مرکز حاشیه، مرکز حاشیه، مادر به دلیل اندازه و پرداختن به جزئیات لباس برجسته شده است، قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای افراد دور، زاویه روبه‌رو	کنشگر: مادر و پسر، فضای داخل خانه کنش: بغل کردن مادر و پسر با خوشحالی	۸	
مرکز حاشیه، دختر به دلیل موقعیت مرکزی و لباس پررنگ برجسته‌نمایی شده است، قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای افراد دور، زاویه روبه‌رو	کنشگر: زن خیاط، دختر، کلیم، آینه کمد و ابزارهای خیاطی فضای داخلی اتاق کنش: زن در حال خیاطی، حالت خوشحالی زن و دختر	۹	
هیچ کدام، بر همه اجزای تصویر به یک اندازه تأکید شده است، قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای دختر جلو متوسط، نمای سه دختر پشت دور، زاویه روبه‌رو	کنشگر: چهار دختر، برگ درخت، قطره‌های باران، ابرها فضای داخلی تئاتر کنش: بازیگری	۱۰	
مرکز حاشیه، بر همه اجزای تصویر به یک اندازه تأکید شده است. قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای دختر دور، زاویه روبه‌رو	کنشگر: دختر، میز، صندلی غذا، موش، تابلوها، لباس، کتاب و عروسک خرسی فضای داخلی آشپزخانه کنش: ترسیدن و فرار کردن دختر از موش	۱۱	
مرکز حاشیه، بر همه اجزای تصویر به یک اندازه تأکید شده است، قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای افراد دور، زاویه روبه‌رو	کنشگر: مادر، دختر، ابزارهای آشپزی، ابزارهای تمیز کردن، سطح اشغال فضای داخلی آشپزخانه کنش: مادر در حال جوشاندن	۱۲	

معنای ترکیبی (ارزش اطلاعات، برجستگی، قاب)	معنای تعاملی (تماس، فاصله، زاویه دید)	معنای بازنمودی (الگوی بصری، چیدمان، اشیا، اجزای همراه)	شماره صفحه	مجله آسامه
		شیر دختر در حال تمیز کردن		
راست-چپ، دختر به علت موقعیت و اندازه برجسته‌نمایی شده است، قاب ندارد.	ارائه‌دهنده، نمای دور، زاویه روبه‌رو	کنشگر: دختر، سبد ماهی، درختان فضای بیرونی: کنار دریاچه کنش: دختر در حال حمل و نقل ماهی	۱۳	
مرکز حاشیه، دختر به دلیل موقعیت مرکزی و رنگ دامن قرمز برجسته‌نمایی شده است، قاب دارد.	ارائه‌دهنده، نمای دور، زاویه روبه‌رو	کنشگر: دختر، پیانو فضای داخلی سالن تئاتر کنش: دختر در حال نواختن	۱۴	
مرکز حاشیه، دختر به دلیل موقعیت مرکزی برجسته‌نمایی شده است، قاب دارد.	دختر در تماس با بیننده، نمای متوسط، زاویه روبه‌رو	کنشگر: دختر، ویولن فضای داخلی تئاتر کنش: نگاه کردن به بیننده، به دست گرفتن ویولن	۱۵	
هیچ‌کدام، برجستگی به مادر به دلیل موقعیت و اندازه داده شده است، قاب ندارد.	ارائه‌دهنده، نمای مادر نزدیک، نمای پسرها دور، زاویه دید مادر مورب، زاویه دید پسرها از روبه‌رو	کنشگر: مادر، سینی چای، شیرینی دو پسر، میز، صندلی، کتابخانه، عروسک خرسی فضای داخلی اتاق کنش: سرو کردن سینی چای توسط مادر، پسرها در حال مرتب کردن اتاق	۱۶	
مرکز حاشیه، مادر به دلیل اندازه برجسته شده است، قاب ندارد.	ارائه‌دهنده، نمای افراد دور، زاویه دید مادر مورب زاویه دید بقیه افراد از روبه‌رو	کنشگر: مادر، دو دختر، پسر، میز، صندلی و فرش فضای داخلی اتاق کنش: دختر در حال خوش آمدگفتن به مهمان‌ها، مادر مریض و نشسته است	۱۷	
راست-چپ، بر همه اجزای تصویر به یک اندازه تأکید شده است، قاب ندارد.	ارائه‌دهنده، نمای افراد دور، زاویه دید روبه‌رو	کنشگر: مادر، دختر، عروسک، پروانه‌ها، تخت‌خواب و ساعت فضای داخلی اتاق خواب کنش: بغل کردن مادر و دختر	۱۸	
مرکز حاشیه، دختر برجسته‌نمایی شده است، قاب ندارد.	ارائه‌دهنده، نمای دختر متوسط زاویه روبه‌رو	کنشگر: دختر، میکروفون فضای بیرونی کنش: دختر در حال خواندن	۱۹	
مرکز حاشیه، زن برجسته‌نمایی شده است،	زن در حال تماس با بیننده، نمای دور،	کنشگر: زن فضای نامشخص	۲۰	

معنای ترکیبی (ارزش اطلاعات، برجستگی، قاب)	معنای تعاملی (تماس، فاصله، زاویه دید)	معنای بازنمودی (الگوی بصری، چیدمان، اشیا، اجزای همراه)	شماره صفحه	
قاب ندارد.	زاویه روبه‌رو	کنش: زن در حال دادزدن		مجله آسامه
مرکز حاشیه، دختر به دلیل موقعیت برجسته‌نمایی شده است، قاب ندارد.	دختر در حال تماس با بیننده، معلم ارائه‌دهنده، نمای معلم متوسط، نمای دختر متوسط نزدیک، زاویه روبه‌رو	کنشگر: معلم، دختر، تابلوها، تلفن فضای داخلی مهدکودک کنش: معلم نگران است، دختر غمگین	۲۱	
هیچ‌کدام، بر همه اجزای تصویر به یک اندازه تأکید شده است، قاب ندارد.	ارائه‌دهنده، نمای افراد دور، زاویه روبه‌رو	کنشگر: دو دختر، پسر، تابلوها، عروسک فیل، فضای داخلی مهدکودک کنش: پسر و دخترها در حال نقاشی کردن	۲۲	
راست-چپ، مادر بزرگ به دلیل اندازه و پرداختن به جزئیات برجسته شده است، قاب ندارد.	ارائه‌دهنده، نمای افراد دور، زاویه روبه‌رو	کنشگر: مادر بزرگ، پسر فضای بیرونی: در باغ کنش: مادر بزرگ نشسته با لیختند، پسر در حال کاشتن بذر	۲۳	
هیچ‌کدام، مادر بزرگ به دلیل اندازه و پرداختن به جزئیات برجسته شده است، قاب دارد.	ارائه‌دهنده، نمای افراد متوسط نزدیک، زاویه دید زن و مرد از روبه‌رو، بچه‌ها پشت به بیننده	کنشگر: مادر بزرگ، پسر فضای نامشخص کنش: پسر در حال دادن کیک به مادر بزرگ، دست مادر بزرگ روی شانه پسر	۲۴	
راست-چپ، برجستگی به مرد داده شده است، به دلیل موقعیت مرکزی و لباس روشن، قاب دارد.	ارائه‌دهنده، نمای افراد متوسط نزدیک، زاویه روبه‌رو	کنشگر: مرد، زن، مجله، بچه‌ها و تابلو فضای داخلی کنش: مرد مجله را به مخاطبان نشان می‌دهد، زن مجله در دست و در حال نگاه کردن به مرد	۲۵	
مرکز حاشیه، زن برجسته‌نمایی شده است، قاب ندارد.	زن در تماس با بیننده، نمای نزدیک، زاویه روبه‌رو	کنشگر: زن، مرغ و اختاپوس فضای نامشخص کنش: زن در حال نگاه کردن به بیننده	۱	مجله رشد دانش آموز
مرکز حاشیه، قالیچه به دلیل موقعیت برجسته‌نمایی شده است، قاب ندارد.	ارائه‌دهنده، نمای دور، زاویه روبه‌رو	کنشگر: زن، قالی و ابزار قالی‌بافی فضای نامشخص کنش: زن در حال قالی‌بافتن	۲	
راست-چپ، برجستگی به دلیل موقعیت مرکزی و رنگ به پارچه قرمز داده شده است، قاب ندارد.	ارائه‌دهنده، نمای متوسط نزدیک، زاویه روبه‌رو	کنشگر: زن و پارچه‌ها فضای نامشخص کنش: زن در حال گلدوزی	۳	
راست-چپ، برجستگی به دو دختر جلویی به دلیل موقعیت و رنگ	ارائه‌دهنده، نمای افراد دور، زاویه روبه‌رو	کنشگر: چهار دختر، دو زن، عروسک، صندلی، توپ و قطار	۴	

معنای ترکیبی (ارزش اطلاعات، برجستگی، قاب)	معنای تعاملی (تماس، فاصله، زاویه دید)	معنای بازنمودی (الگوی بصری، چیدمان، اشیا، اجزای همراه)	شماره صفحه	مجله رشد دانش آموز
لباس داده شده است، قاب ندارد.		فضای حیاط داخل خانه کنش: دختر در حال مسخره به دختر دیگر، دو دختر پشت در حال بازی با توپ، دو زن در حال نگاه کردن به دخترها		
مرکز حاشیه، مادر به دلیل اندازه و موقعیت مرکزی برجسته شده است، قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای مادر متوسط، نمای دختر متوسط نزدیک، زاویه روبه‌رو	کنشگر: مادر، دختر، ماسک‌ها، الکل فضای نامشخص کنش: مادر و دختر در حال درست کردن بسته‌های بهداشتی	۵	
مرکز حاشیه، دختر برجسته‌نمایی شده است، قاب دارد.	دختر در تماس با بیننده، نمای دختر متوسط نزدیک، زاویه روبه‌رو	کنشگر: دختر، دوربین و طوطی فضای نامشخص (حیات وحش؟) کنش: دختر دوربین را در دست گرفته، در حال نگاه کردن به بیننده	۶	
راست-چپ، دختر برجسته‌نمایی شده است، قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای دختر متوسط نزدیک، نمای مادر متوسط، زاویه روبه‌رو	کنشگر: مادر، دختر، برف و گلدان فضای خانه: بالکن کنش: دختر با چهره غمگین در حال نگاه کردن به دانه‌ها، مادر در حال نگاه به دختر	۷	
راست-چپ، مادر به دلیل اندازه و موقعیت برجسته‌نمایی شده است، قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای افراد دور، زاویه روبه‌رو	کنشگر: مادر، پسر، توپ و وسایل داخل اتاق فضای داخل خانه کنش: مادر در حال بادزدن توپ یا تلمبه	۸	
مرکز حاشیه، بر همه اجزای تصویر به یک اندازه تأکید شده است، قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای افراد دور، زاویه روبه‌رو	کنشگر: مادر بزرگ، دختر، کتاب فضای داخل خانه کنش: مادر بزرگ و دختر در حال خواندن کتاب	۹	
مرکز حاشیه، مادر بزرگ به دلیل اندازه برجسته‌نمایی شده است قاب دارد.	ارائه دهنده، نمای افراد متوسط، زاویه دید مادر بزرگ مورب، زاویه دید پسر از روبه‌رو	کنشگر: مادر بزرگ، دو دختر و پسر فضای بیرونی: در باغ کنش: مادر بزرگ دو دختر را بغل کرده	۱۰	
راست-چپ، زن برجسته‌نمایی شده است، قاب ندارد.	زن در تماس با بیننده، نمای نزدیک، زاویه روبه‌رو	کنشگر: زن، عروسک فضای نامشخص کنش: زن عروسک در دست، در حال نگاه کردن به بیننده	۱۱	
مرکز حاشیه، دختر برجسته‌نمایی شده است، قاب ندارد.	دختر در تماس با بیننده، نمای متوسط زاویه روبه‌رو	کنشگر: دختر، مدادها و پلاستیک	۱۲	

معنای ترکیبی (ارزش اطلاعات، برجستگی، قاب)	معنای تعاملی (تماس، فاصله، زاویه دید)	معنای بازنمودی (الگوی بصری، چیدمان، اشیا، اجزای همراه)	شماره صفحه	مجله رشد دانش آموز
		فضای نامشخص (آزمایشگاه؟) کنش: دختر پلاستیک را در دست گرفته و با لبخند در حال نگاه کردن به بیننده		
هیچ کلام، بر همه اجزای تصویر به یک اندازه تأکید شده است، قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای افراد دور، زاویه دید زن از روبه‌رو، پشت دختر به بیننده	کنشگر: دختر، زن و بشقاب غذا فضای خارجی خانه کنش: دختر در حال دادن بشقاب غذا به زن	۱۳	
مرکز حاشیه، زن برجسته‌نمایی شده است، قاب ندارد.	زن در تماس با بیننده، نمای متوسط زاویه روبه‌رو	کنشگر: زن، برگ‌ها فضای بیرونی: در باغ کنش: زن در حال نگاه کردن به بیننده	۱۴	
مرکز حاشیه، زن به دلیل اندازه و موقعیت مرکزی برجسته‌نمایی شده است، قاب ندارد.	ارائه دهنده، نمای افراد دور، زاویه روبه‌رو	کنشگر: مادر، پدر، دختر و پسر فضای بیرونی نامشخص کنش: مادر در حال نگاه کردن به پسر، پدر پسر را حمل می‌کند، با عصبانیت در حال نگاه کردن به او	۱۵	

منبع: نگارندگان

بررسی‌ها در جدول ۲ نشان می‌دهد در تصاویر این دو مجله، در سطح معنای بازنمودی، تظاهر مشارکان انسانی از مشارکان غیرانسانی غالب‌تر است. به بیانی دیگر این تصاویر، نمودهای واقعی از زندگی مخاطبان است؛ زیرا کنش‌ها و روابط اجتماعی در این تصویرها نقش و جایگاه مرکزی دارد. نکته مهم در بازنمود تصاویر زنان/دختران در مجله آسامه، موقعیت حضور آنها است: ۹ تصویر در فضای درونی خانه و ۴ تصویر در فضایی نامشخص از مجموع ۲۵ تصویر که در هر دو گروه، بانوی به تصویر درآمده، نقش دختر، مادر و مادر بزرگ را برعهده دارد و در حال پذیرایی، نظافت و خیاطی است. دختران با عروسک‌بازی در فضای خانه، نقش‌های مادر/زن بودن را تمرین می‌کنند. در ۱۲ تصویر باقی‌مانده، زنان/دختران در فضای بیرون از خانه دیده می‌شوند و در حال خرید، مراقبت از گیاه (کشاورز)، بازیگری، نوازندگی، خوانندگی و سردبیری مجله به تصویر درآمده‌اند. در برخی از این تصویرها (تصویرهای ۲، ۱۰، ۱۴، ۱۹ و ۲۲)، زنان در جمع حضور دارند و وظیفه خود را در میان گروهی از افراد به انجام می‌رسانند. به نظر می‌رسد در جمع بودن پذیرش نقش را برای کودکان واقعی‌تر و امکان‌پذیرتر می‌سازد. گرچه تصویرگران مجله آسامه، زنان را در فعالیت‌های گوناگون هنری یا تفریحی به تصویر کشیده‌اند، به نظر می‌رسد آنان از بازنمایی مشاغل کلیدی‌تر و مهم‌تر مانند مهندسی، پزشکی یا نمایندگی

مجلس برای این زنان غافل مانده‌اند؛ به‌ویژه آنکه در جامعه امروز سوریه، چنین مشاغلی برای بانوان در دسترس است.

در مجله رشد دانش‌آموز با در مجموع ۱۵ تصویر، زنان/دختران در ۵ تصویر، درون خانه هستند و در ۷ تصویر، در فضایی نامشخص. زنان/دختران در تصاویر داخل خانه، نقش دختر، مادر و مادربزرگ دارند. حتی در تصویر ۵ که کمک‌رسانی به دختر و مادر نسبت داده شده است، با آنکه مادر می‌تواند در نقش کادر درمان یا عضو سازمان‌های بشردوستانه ظاهر شود - که به حقیقت جامعه ایران امروز نزدیک‌تر است - همچنان نقش مادر و دختر به او داده شده است. در دیگر تصویرها نیز نقش‌ها و مشاغل، عادی و سنتی است، مانند قالی‌بافی، گل‌دوزی و عروسک‌سازی. در این گروه از مشاغل که همگی در فضای نامشخصی به تصویر درآمده‌اند، ماهیت کار چنان است که زن همچنان می‌تواند درون خانه به فعالیت بپردازد. در میان تصویرهای بررسی‌شده فقط دو نقش شغلی در فضای نامشخص، برجسته و روزآمد بود: زنی که نویسنده داستان کودکان است (تصویر ۱)، و دانش‌آموز آزمایشگر (تصویر ۱۲). تصویرگری زنان در بیرون از خانه نیز فقط سه نمونه بود: تصویرهای ۶، ۱۰ و ۱۴ که نقش‌های عکاس، مادربزرگ و معلم را نشان می‌دهد. فضای هر سه نمونه، محیط طبیعی و باغ به‌نظر می‌آید. این نکته به‌ویژه درباره معلم برجسته است؛ زیرا انتظار بیننده از معلم، حضور در کلاس درس و محیط کار او است، اما تصویرگر همچنان محیط خنثی باغ و بوستان را برای این نمایش ترجیح داده است.

مطابق جدول ۲، تصاویر مجله آسامه در سطح معنای تعاملی، زنان/دختران در این تصویرها، کمتر به مخاطب می‌نگرند؛ گویی نمی‌خواهند یا میل ندارند با بیننده خود، تعامل برقرار کنند. در این تصویرها، نگاه زنان/دختران، بیشتر به‌سوی یکدیگر یا عنصری در تصویر است. براساس دیدگاه کرس و ون‌لیوون تصاویری از این دست، بیننده را به‌صورت غیرمستقیم فرامی‌خواند و در آن‌ها بیننده، بیشتر یک ناظر نامریی است. در میان مجموعه تصاویر بررسی‌شده، فقط در چهار نمونه، افراد به مخاطب نگاه می‌کنند. به‌نظر می‌رسد در این نمونه‌ها، نگاه خیره افراد در پی تقاضایی از بیننده است. مطابق با نگاه کرس و ون‌لیوون، هنگامی که بازنمودها با نگاه خیره به مخاطب لبخند می‌زنند (مانند تصاویر ۳ و ۱۵)، از بیننده می‌خواهند به دنیای صمیمی آن‌ها وارد شود. در تصاویر بررسی‌شده مجله آسامه، زنان/دختران، فقط در دو تصویر از نمای نزدیک (سر و شانه‌های سوژه) ترسیم شده‌اند. این نما را بر پایه دیدگاه کرس و ون‌لیوون، بیانی از رابطه صمیمی و شخصی میان تصویر و مخاطب آن می‌دانیم. اما در بیشتر تصویرهای این مجله، زنان/دختران از نمای دور و متوسط بازنمایی شده‌اند. نمای دور بیانگر رابطه غیرشخصی مخاطب با تصویر است و نمای متوسط بیانگر رابطه اجتماعی. بررسی زوایای دید نیز نشان می‌دهد

پیکره‌ها بیشتر از روبه‌رو و هم‌سطح با بیننده نمایان شده‌اند. تصویرگران به هدف القای حس برابر این زاویه دید را برگزیده‌اند. زاویه روبه‌رو همچنین بیان می‌کند زنان نیز مانند مخاطبان‌اند و به همین دنیای حقیقی تعلق دارند.

تحلیل معنای تعاملی تصویرها در مجله رشد دانش‌آموز با آنچه درباره مجله آسامه آمد، یکسان است. تنها در پنج تصویر این مجله، زنان مستقیم به مخاطب می‌نگرند که در همه آن‌ها، نقش برتر زن یا دختران با استعداد مطرح است (نویسنده داستان، عروسک‌ساز، عکاس، آزمایشگر و معلم). شیوه بازنمایی در این تصویرها، دنیای تصویر را به دنیای واقعی مخاطب پیوند می‌دهد. در رشد دانش‌آموز نیز نمای دور و متوسط، پرکاربردتر از نمای نزدیک است و زوایای دید روبه‌رو با همان کارکرد پیشین دیده می‌شود.

تحلیل در سطح معنای ترکیبی نشان می‌دهد ارزش اطلاعات در بیشتر تصاویر مجله آسامه از الگوی مرکز-حاشیه پیروی می‌کند. زنان/دختران و به تبع آن نقش‌هایی که بازنمایی شده، به‌واسطه رنگ، جایگاه و اندازه از برجستگی کارآمدی برخوردار است. البته حضور مردان در تصویر، موقعیت بازنمایی زن را دستخوش دگرگونی می‌کند. این نکته را به‌ویژه در تصویر ۲۵ آسامه می‌توان دید. در این تصویر با آنکه زن و مرد، هر دو از اعضای مجله هستند، برجستگی بصری به مرد داده شده است و کنش اصلی را (نشان‌دادن مجله به مخاطبان) مرد انجام می‌دهد. زن، دور از بیننده است و هیچ کار خاصی انجام نمی‌دهد. این شیوه برجسته‌سازی سبب می‌شود ناخودآگاه از سوی مخاطب، نقش سردبیری به مرد داده شود. چنین تصویری را می‌توان برآمده از سوگیری جنسیتی و بازتاب گفتمان مردسالارانه دانست.

تصویرگران برای بیشتر تصاویر مجله رشد دانش‌آموز نیز الگوی مرکز-حاشیه را انتخاب کرده‌اند. برجسته‌سازی در بسیاری از تصویرهای این مجله مانند نمونه‌های ۲ و ۳، بیش از آنکه بر پیکره زنان/دختران باشد، بر عناصر همراه آن‌ها، مانند قالیچه یا پرده گل‌دوزی شده است. در زن قالی‌باف (تصویر ۲)، برجسته‌سازی فقط بر دار قالی است و زن در نمای دور، بسیار کوچک و با رنگ تیره‌ای ترسیم شده است. این شیوه پرداخت، نه تنها زن را به چشم نمی‌آورد، بلکه بر نقش فعال او در بافندگی نیز سایه می‌اندازد و ضرورت حضورش را در پیشبرد این کار، کم‌رنگ می‌سازد.

یافته‌های پژوهش

بررسی چگونگی بازنمایی جنسیت در سه تصویر منتخب از مجلات آسامه و رشد

دانش آموز

مجله آسامه

داستان شمعۀ مضيئه اسمها نور^۱ (تصویر ۱) درباره دختری به نام نور و مادرش است که به بازار رفته‌اند. نور در بازار، مغازه‌داری را می‌بیند که ته‌سیگاری را در پیاده‌رو پرت می‌کند. نور، ته‌سیگار را فوری برمی‌دارد و در سطل زباله می‌اندازد. مغازه‌دار با دیدن این حرکت، نور را تشویق و از مادر او برای تربیت چنین فرزندی تشکر می‌کند.



تصویر ۲. بازیگران کوچک
(مجله آسامه، ۲۰۲۱، ش ۸۱۸: ۲۷)

تصویر ۱. داستان شمعی روشن به نام نور
(مجله آسامه، ۲۰۲۱، ش ۸۱۵: ۲۶)



تصویر ۳. داستان لمیس و موش
(مجله آسامه، ۲۰۲۱، ش ۸۱۸: ۳۱)

۱. شمعی روشن به نام نور

معنای بازنمودی: تصویر در معنای بازنمودی، از الگوی روایتی پیروی می‌کند. بردار نگاه مادر در این تصویر به‌سوی دختر است. مادر با آراستگی موها و جامه‌ براننده، در نقش مادری موفق بازنمایی شده است که با خوشحالی، دخترش را در انجام کارهای خوب تشویق می‌کند. همراهی مادر با دختر، بازنمایی جنسیتی نقش مادری و پذیرش نقش حمایتی کودک را برجسته می‌کند. دختر با موی قهوه‌ای روشن، کلاه بر سر در لباس قرمز مرتب با عروسکی که در دست دارد، تمرین و تقلید دقیق نقش مادر برای آینده است. شخصیت او، اجتماعی، مسئولیت‌پذیر و حافظ اموال عمومی است.

معنای تعاملی: از آنجا که شخصیت‌های تصویر به مخاطب نگاه نمی‌کنند، این تصویر از نوع نشان‌دهنده است. فاصله‌ی نمای مادر، متوسط و فاصله‌ی نمای دختر، متوسط نزدیک است. زاویه دید، هم‌سطح با چشم مخاطب و از روبه‌رو است که در درگیرکردن مخاطب با دنیای به‌تصویردرآمده نقش مؤثری دارد. این زاویه دید برای بازگوکردن نقش مادر نیز بسیار کارآمد است؛ زیرا مادر نه قدرت‌طلب است که زاویه دید از پایین برای آن برگزیده شود، و نه فرودست و مغلوب که زاویه دید از بالا مناسب باشد. زاویه روبه‌رو شخصیتی متعادل و تعامل‌گر را به مخاطب ارائه می‌دهد.

معنای ترکیبی: مادر و دختر در جایگاه شخصیت‌های اصلی داستان، در مرکز تصویر جای گرفته‌اند و سایر عناصر بصری به شکلی حاشیه‌ای در کناره‌ها قرار دارد. مادر بر پایه‌ی اندازه قابل‌توجه در فضای تصویر و نیز نوری که بر پیکره وی تابیده (نوری که بخش قابل‌توجهی از پیراهن را روشن کرده) آشکارا برجسته‌سازی شده است. تصویر فاقد قاب‌بندی است که می‌تواند تأکیدی بر فضای پرتکاپوی بازار باشد؛ خریدوفروش و هیاهویی که بیرون از این تصویر همچنان ادامه دارد.

در داستان الممثلون الصغار^۱ (تصویر ۲)، مدیر مدرسه‌ای تصمیم می‌گیرد نمایشی را برای قدردانی از طبیعت و نعمت‌های آن برای دانش‌آموزان برگزار کند. معلم مدرسه برای دختران بازیگر، نقش‌های خاصی را مشخص می‌کند. بعد از روزها تمرین مداوم، بچه‌ها روی صحنه می‌روند. نمایش با موفقیت اجرا می‌شود و دانش‌آموزان بازیگر برای این اجرا تشویق می‌شوند و جایزه می‌گیرند.

معنای بازنمودی: تصویر، الگویی مفهومی دارد. دختران با ایفای نقش‌های طبیعی و تخیل قوی، اعتمادبه‌نفس روی صحنه‌رفتن و حس قوی همکاری در اجرای یک کار گروهی را آموزش می‌دهند. عناصر بازنمایی روشن و آشکار است: لینا تصویر ابری سفید را در دست دارد؛

۱. بازیگران کوچک

دانیا تابلوی یک قطره آب را حمل می‌کند. سحر با لباس قهوه‌ای، عکسی از شاخه‌های پربرگ را در دست دارد و امل، میوه‌ها را بر لباس خود نشان می‌دهد. همگی با لباس‌های آراسته، چهره‌های ظریف و لبخند بر لب ظاهر شده‌اند که پذیرش نقش، همراهی با گروه و تعامل اجتماعی را به چشم می‌آورند.

معنای تعاملی: با آنکه چهره‌ها روبه‌رو هستند، بردار نگاه‌ها به‌سوی مخاطب نیست. تصویر نشان‌دهنده است. سه دختر پشت، تمام‌قدند و بر فاصله اجتماعی با مخاطب تأکید دارند. دختر جلو از زانو به بالا تصویر شده که می‌تواند نشانگر تمایل در ایجاد رابطه اجتماعی باشد. زاویه دید، هم‌تراز با چشم بیننده و از روبه‌رو است.

معنای ترکیبی: ارزش اطلاعات این تصویر، از الگوی راست به چپ که مبتنی بر زبان عربی است، پیروی نمی‌کند. از این‌رو، برجستگی متعلق به تمام کنشگران است. تصویر قاب‌بندی ندارد و یکپارچگی رنگ‌ها، هویتی کلی به آن داده است.

داستان لمیس و الفار^۱ (تصویر ۳) درباره دختر کوچک، زیبا و پرتلاشی به نام لمیس است که هر روز برای دو برادر کوچک‌تر خود شیر می‌آورد، اما به‌دلیل شتاب‌زدگی در انجام کارها، درگیر مشکلاتی می‌شود؛ برای نمونه، لمیس اهمیتی نمی‌دهد که شیر به‌درستی جوشیده باشد یا غذا کاملاً تمیز باشد. روزی که او برای خوردن غذایی می‌آید که از صبح روی میز مانده است، موشی را در حال خوردن غذای باقی‌مانده بر میز می‌بیند. او تلاش می‌کند موش را از خانه دور کند، اما موش او را تهدید می‌کند که از این به بعد، هر روز برای خوردن ته‌مانده غذاهای روی میز خواهد آمد. لمیس از ترس موش تصمیم می‌گیرد همیشه تمیز باشد و هیچ غذایی را روی میز رها نکند.

معنای بازنمودی: تصویر از الگوی روایتی در سطح معنای بازنمودی استفاده می‌کند و مادر و دختر را در حال خانه‌داری نشان می‌دهد. بردار نگاه مادر به‌سوی دختر است و بردار نگاه دختر به عنصری درون تصویر که محوریت موضوعی دارد (سطل زباله). ساخت روایی تصویر، مادر جوان و دخترش را با لباس‌های راحتی در آشپزخانه نشان می‌دهد (پذیرش راحت مخاطب به سبب نزدیکی به زندگی هرروزه). مادر در حال جوشاندن شیر است (نکته‌ای که در داستان بر آن تأکید می‌شود) و لمیس با جارو، خرده‌های غذا را به سطل زباله می‌ریزد (برآیند و نتیجه داستان). از حالت صورت‌ها درمی‌یابیم هردو از کار خود راضی هستند. این نوع بازنمایی، سعی در بازتولید کلیشه‌های جنسیتی دارد. از یک سو، استانداردسازی خانه‌داری/کدبانوگری کامل که با دقت در سلامت غذا و نظافت هم‌راستا می‌شود و از سوی دیگر، رضایت چهره‌ها از انجام کار

۱. لمیس و موش

درست در منزل. ویژگی‌های شخصیتی دختر در این داستان پرتلاش بودن، عجل و ترس بودن است که فقط با انجام عمل درست خانه‌داری به رضایتمندی می‌رسد.

معنای تعاملی: شخصیت‌های تصویر، تعاملی با بیننده ندارند؛ بنابراین تصویر، نشان‌دهنده است. از نظر فاصله، تصویر در سطح روابط غیرشخصی و فاصله دور قرار دارد و زاویه دید برای بیننده هم سطح چشم و از روبه‌رو است. مانند دیگر نمونه‌ها، این زاویه دید در روایتگری امور عادی و روزانه و نیز ساده‌سازی ذهنی بازنمودها تأثیر مثبت دارد.

معنای ترکیبی: تصویر از الگوی اولویت راست به چپ تبعیت نمی‌کند. برجستگی در همه عناصر تصویر به یک اندازه است و عناصر فرعی مانند سطل یا اجاق‌گاز به اندازه پیکره‌ها چشمگیر هستند که البته این انتخاب، با تأکید داستان همخوانی کامل دارد. تصویر قاب ندارد و به نظر می‌رسد تصویرگر در پی فراخواندن مخاطب به درون تصویر و القای حس امتداد تصویر در بیرون از فضای بازنموده است.

مجله رشد دانش آموز

داستان قصه یک اسم (تصویر ۴) درباره دختری به نام فاطمه، دخترخاله، دخترعمو و یکی از خاله‌های او است. دختر راوی داستان باور دارد که دخترخاله‌اش بد اخلاق و خودخواه است؛ چرا که اجازه نمی‌دهد کسی به عروسک گران‌قیمتش دست بزند. او همچنین از دخترعموی خود گله‌مند است و سطرهایی از داستان به این نگاه گله‌مند می‌پردازد. در این میان، خاله در مقام دانای داستان، او را به یاد نامش می‌اندازد و به الگوپذیری از شخصیت حضرت فاطمه (س) که بانوی مهربانی و فداکاری بودند، تشویق می‌کند. در جریان داستان، فاطمه از افکارش درباره دیگران خجل می‌شود و به پیروی از بانویی که نامش بر او است، رفتار دیگری را در پیش می‌گیرد.

معنای بازنمودی: تصویر، الگویی روایی دارد. دو گونه بردار فعال در این تصویر دیده می‌شود: بردار دست یکی از دخترها که به سوی دختر دیگر است و بردار نگاه زنان در پس‌زمینه که به سوی دختران در پیش‌زمینه است. یکی از دختران تصویر که عروسک به بغل دارد، با دست و به حالت استهزا دیگری را می‌نگرد. با آنکه عروسک می‌تواند نقش مادرانه را یادآوری کند، در اینجا تضاد آشکار با شخصیت بی‌مبالا و گستاخ دختر دارد. گویی دختر نقش ستودنی مادر را پس می‌زند. از ویژگی‌های شخصیتی دختران در این داستان می‌توان به بد اخلاقی، خودخواهی، ضعف و گریه در هنگام بروز مشکلات اشاره کرد. زنان در پس‌زمینه تصویر نیز نگران و عصبانی به نظر می‌رسند.

معنای تعاملی: نگاه شخصیت‌ها به سمت مخاطب نیست؛ بنابراین تصویر نشان‌دهنده است. تصویر افراد تمام‌قد است که بر فاصله اجتماعی با بیننده تأکید دارد. زاویه دید هم‌تراز

چشم و از روبه‌رو است. شاید بهتر بود تصویرگر در این صحنه، زاویه دید را از بالا ایجاد می‌کرد تا بر تحقیر و زیرسؤال‌بردن چنین رفتاری بیشتر تأکید شود. نگاه مخاطب از بالا، سوژه را نامطلوب‌تر جلوه می‌داد.

معنای ترکیبی: چیدمان تصویر مبتنی بر ارزش اطلاعاتی است؛ زیرا در زبان فارسی، ارائه اطلاعات از راست به چپ است. پس تصویر سمت راست، بیشتر از تصویر سمت چپ در معرض دید مخاطب خواهد بود. در اینجا نیز دخترها که شخصیت‌های اصلی داستان هستند، در سمت راست جای دارند و زنان در پس‌زمینه، در سمت چپ تصویر دیده می‌شوند. علاوه بر موقعیت تصویری، دختران با اشیاع رنگی نیز برجسته شده‌اند. تضاد میان کنشگران و پس‌زمینه تصویر، قاب را ساخته است.



تصویر ۵. داستان بسته‌های مهربانی
(مجله رشد دانش‌آموز، ۱۴۰۰، ش ۴: ۳)



تصویر ۴. داستان قصه یک اسم
(مجله رشد دانش‌آموز، ۱۴۰۰، ش ۴: ۳)



تصویر ۶ داستان من، فقط من
(مجله رشد دانش‌آموز، ۱۴۰۰، ش ۵: ۵)

داستان بسته‌های مهربانی (تصویر ۵) خانواده‌ای را توصیف می‌کند که به دلیل شیوع ویروس کرونا بسته‌های بهداشتی کوچکی را برای کمک به خانواده‌های نیازمند تهیه کرده‌اند. اعضای خانواده شامل دختر، مادر، پدر و پدربزرگ است. پدر به امر خریداری تجهیزاتی مانند ماسک و پاکت‌های بسته‌بندی مشغول است و دیگران بسته‌ها را آماده می‌کنند که حاوی ماسک، الکل و یک کیسه کوچک نخودچی و کشمش است.

معنای بازنمودی: تصویر از الگوی روایی پیروی می‌کند. دست و نگاه مادر به سوی دخترش، بردار مؤثری را شکل می‌دهد. مادر دستش را دلسوزانه روی صورت دختر می‌کشد. هر دو درحالی که ماسک بر چهره دارند، لباس‌های ساده‌ای متشکل از یک پیراهن بلند و شال پوشیده‌اند و شیشه‌های الکل در دست دارند. ویژگی‌های شخصیتی مادر و دختر در این داستان مثبت، و شامل همکاری، کمک‌رسانی به دیگران، توجه به سلامتی، مهربانی و همدردی با اعضای جامعه است. با آنکه مادر دغدغه اجتماعی دارد، در منزل و در راستای تصمیم پدر حرکت می‌کند.

معنای تعاملی: تصویر در سطح معنای تعاملی، نشان‌دهنده است. تصویرگر، نمای متوسط را برای مادر و نمای متوسط نزدیک را برای دختر برگزیده است که شکلی از روابط اجتماعی را نشان می‌دهد. زاویه دید نیز برای مخاطب هم‌تراز با چشم و از روبه‌رو است.

معنای ترکیبی: تصویر از الگوی مرکز-حاشیه تبعیت می‌کند و برجستگی با مادر به دلیل موقعیت مکانی و اندازه او در تصویر است. تضاد کنشگران با پس‌زمینه تصویر، قاب را تشکیل می‌دهد.

در داستان من، فقط من (تصویر ۶)، مادر برای پسرانش تویی خرید و آن را با تلمبه باد کرده است. مادر این داستان به شدت به شدت عصبانی و کلافه است. هنگامی که یکی از فرزندان تقاضای بادکردن مجدد توپ را دارد، با عصبانیت مادر روبه‌رو می‌شویم. مادر پرخاشگرانه از فرزندان می‌خواهد که او را برای انجام امور منزل تنها بگذارند.

معنای بازنمودی: الگوی این تصویر، روایی است. بردار نگاه مادر به سوی پسر است. تصویرگر مادر را بلندقد و لاغراندام با لباس راحتی کشیده است. گرچه در حال بادکردن توپ است، نارضایتی در چهره و شیوه ایستادن او پیداست. ویژگی شخصیتی مادر این داستان گلمندی، شاکی بودن و پرخاشگری است، فردی که حوصله سروکله زدن با فرزندان را ندارد. چنین نمودی را می‌توان بازنمایی کلیشه‌ها و الگوهای سنتی از هویت جنسیتی یک زن بی‌حوصله دانست.

معنای تعاملی: این تصویر، نشان‌دهنده است؛ زیرا افراد حالت نمایشی دارند. به دلیل تمام‌قد بودن شخصیت‌ها فاصله اجتماعی القا می‌شود. زاویه دید نیز هم‌سطح چشم و از روبه‌رو

است.

معنای ترکیبی: تصویر از الگوی اولویت از راست به چپ پیروی می‌کند: مادر در راست تصویر و پسر در سمت چپ، اسباب خانه نیز در سمت راست، وزن بصری بیشتری ایجاد می‌کنند. تراکم تابلوهای آویخته بر دیوار و نیز رنگ سرخ و قهوه‌ای صندلی در مقایسه با سفیدی رومیزی در سمت چپ، تراکم و فشار بصری را در سویه راست بیشتر می‌کند. این افزایش تراکم و فشار، تأثیر افزایش یافته‌ای بر درک فشار عصبی و آشفتگی مادر دارد. با بلندی قامت و رنگ پیراهن، مادر در این سوی تصویر، از برجستگی چشمگیری برخوردار است. با وجود رنگ‌های شاد، وزن بصری و ویژگی روحی مادر، شخصیت او را نامطلوب جلوه می‌دهد.

جدول ۳. خوانش تطبیقی تصاویر زنان در مجلات آسامه و رشد دانش‌آموز بر پایه دیدگاه کرس و ون لیوون

مجله رشد دانش‌آموز			مجله آسامه		
معنای ترکیبی	معنای تعاملی	معنای بازنمودی	معنای ترکیبی	معنای تعاملی	معنای بازنمودی
بیشتر تصاویر الگوی مرکز-حاشیه تبعیت می‌کنند- برجستگی به زنان داده شده- بیشتر تصاویر فاقد قاب‌بندی	بیشتر تصاویر فاقد تماس هستند- بیشتر در نمای دور و متوسط به تصویر کشیده‌اند- انتخاب زاویه دید از روبه‌رو	حضور زنان بیشتر درون خانه- ظهور آنها بیرون از خانه در نقش‌های سنتی و عادی	بیشتر تصاویر الگوی مرکز-حاشیه تبعیت می‌کنند- برجستگی به زنان داده شده به غیر از تصویری که مرد در آن وجود داشت- بیشتر تصاویر فاقد قاب‌بندی	بیشتر تصاویر فاقد تماس هستند- بیشتر در نمای دور و متوسط به تصویر کشیده‌اند- انتخاب زاویه دید از روبه‌رو	حضور زنان بیشتر درون خانه- ظهور آنها بیرون از خانه در نقش‌های اجتماعی عادی

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با بررسی ۴۰ تصویر از مجلات آسامه و رشد دانش‌آموز، بر پایه تعاریف نقش‌های جنسیتی زنان و نیز با تکیه بر تحلیل نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر از کرس و ون لیوون در سه سطح معنای بازنمودی، معنای تعاملی و معنای ترکیبی مشخص شد: تصویرپردازی از زنان/دختران در سطح معنای بازنمودی در مجلات آسامه و رشد دانش‌آموز، غالباً بازنمایی نقش‌های عادی اجتماعی است. زنان/دختران این تصویرها در مشاغل برجسته و مهم اجتماعی مانند پزشکی، مهندسی، منصب‌های سیاسی، فعالیت‌های بزرگ اقتصادی و مانند این‌ها مشارکت ندارند. نقش‌های «زن-مادر»، «زن-مادربزرگ» و «دختر» به‌عنوان نقشی محوری یا فرعی در بیشتر تصویرهای هر دو مجله دیده می‌شود. در مجله رشد دانش‌آموز، کلیشه‌ها و الگوهای سنتی هویت جنسیتی چشمگیرتر است. نمایش مشاغل زنان در این مجله کمتر با واقعیت‌های امروز جامعه ایران همخوانی دارد و نگاهی ناقص به این مشاغل در

تصویرها بازتاب یافته است. معلمی، کشاورزی، خیاطی، قالی‌بافی، گل‌دوزی و عروسک‌سازی مشاغلی سنتی است که برای زن امروز به تصویر درآمده است. البته تصویرهای موفق‌تری که قالب جنسیتی را بهتر رها کرده‌اند، در این میان به چشم می‌خورد: زن نویسنده داستان کودک، عکاس و آزمایشگر از این نمونه‌ها است. البته حتی در این موارد نیز جای‌گرفتن شخصیت‌ها در فضاهای غیرمشخص و غیرواقعی سبب می‌شود درک و تثبیت ذهنی این نقش‌ها برای زنان، نزد مخاطب کودک و نوجوان چندان تأثیرگذار نباشد. بازنمایی نقش‌های زنان/دختران در مجله‌آسامه به جایگاه آن‌ها در جامعه کنونی سوری، نزدیک‌تر است. اگرچه در بیشتر تصویرها، شاهد فضای داخل خانه و اموری مانند پذیرایی، نظافت و مانند این‌ها هستیم، تصویرگران در بسیاری نمونه‌ها، چهره‌های موفق هنری یا اجتماعی را برای زنان به تصویر کشیده‌اند. همچنین برخلاف نمونه‌های مجله رشد دانش‌آموز، زنان بیشتر در محیط‌های حقیقی کار و در مواجهه با ابزارها و وسایل تخصصی حرفه خود به تصویر درآمده‌اند. به نظر می‌رسد در این سطح، مجله‌آسامه موفق‌تر از رشد دانش‌آموز بوده است.

تحلیل در سطح معنای تعاملی نشان می‌دهد اغلب زنان مجلات آسامه و رشد دانش‌آموز، بدون تماس با بیننده و در حال ارائه اطلاعات هستند. بر پایه دیدگاه کرس و ون لیوون، این‌گونه تصویرها بیننده را غیرمستقیم فرامی‌خوانند و بازنمودها را در جایگاه موضوعی برای تفکر به تصویر می‌کشند. تنها در چند تصویر از هر دو مجله (که اغلب زنان با استعداد و برجسته را تصویر کرده‌اند)، تماس و تعامل با مخاطب به وسیله جهت نگاه دیده می‌شود. براساس دیدگاه کرس و ون لیوون، نگاه خیره افراد در تصویر از بیننده می‌خواهد که به دنیای آن‌ها قدم بگذارد و با آنان یگانه شود. زنان در تصاویری که دارای تماس و تعامل با مخاطب‌اند، گاه به بیننده لبخند می‌زنند که در این حالت، مخاطب را به همراهی با خود فرامی‌خوانند و گاه با نگاه غمگین به او می‌نگرند که در این حالت از مخاطب، طلب همدردی می‌کنند. نماها برای بیشتر تصاویر در هر دو مجله، دور یعنی با اندازه کامل یا متوسط است. نماهای برگزیده در این مجلات چندان مناسب انتخاب نشده است؛ زیرا بر پایه دیدگاه کرس و ون لیوون نماهای دور، رابطه غیرشخصی را القا می‌کند و نمای متوسط، بیانگر نوعی رابطه اجتماعی است. درحالی‌که نمای نزدیک برای ایجاد حس صمیمیت و یگانگی در این تصویرها بسیار کارآمدتر است. کودک با نمای نزدیک، زندگی شخصی و هرروزه خود را به شکلی ملموس در تصویر می‌یابد. برخلاف نماها، زوایای دید در بیشتر تصاویر هر دو مجله به خوبی انتخاب شده است. زاویه دید، هم‌سطح چشم مخاطب و از روبه‌رو است. این زاویه دید به القای حس درگیربودن با تصویر، برابری با بازنمودها و تعلق زنان به نقشی که بازی می‌کنند، تأثیر چشمگیر دارد.

در سطح معنای ترکیبی و ارزش اطلاعات بررسی نشان داد در بیشتر تصاویر هر دو مجله،

الگوی مرکز-حاشیه مورد توجه بوده است. در بیشتر نمونه‌ها مادر در مرکز تصویر و دیگر عناصر بازنمایی‌شده در حاشیه قرار دارند. زنان/ دختران با عناصر بصری مانند رنگ، اندازه، کنش بصری یا ایجاد وزن دیداری از برجستگی خوبی برخوردار بودند. البته در تصویری از مجله آسامه که حضور مرد و زن را به صورت هم‌زمان داشتیم، برجستگی و کنش اصلی از آن مرد بود. از نظر کرس و ون لیوون، وجود قاب، دنیای تصویر را از دنیای بیننده دور می‌کند. بررسی نشان داد در بیشتر تصاویر هر دو مجله، قاب اجرا نشده است. نبود قاب سبب می‌شود عناصر تصویر در جایگاه کلیتی یکپارچه و پیوسته بازنمایی شوند و بیننده را به برقراری ارتباط دعوت کند. خلاصه اینکه با نگاه به هر سه سطح معنایی در نظریه کرس و ون لیوون می‌توان گفت تصاویر در مجلات آسامه و رشد دانش‌آموز، دارای سوگیری‌های جنسیتی است و زن مسلمان امروزی را در تصمیم‌گیری‌های بزرگ و نقش‌های اجتماعی مهم و متنوع به تصویر نمی‌کشد؛ تصویرسازی‌ای که با حقیقت هر دو جامعه و دیگر جوامع اسلامی آشکارا متفاوت است. از این‌رو، هر دو مجله در پررنگ‌تر کردن کلیشه‌های سنتی جنسیتی در جوامع خود نقش بسزایی دارد.

منابع

- آقایی، حمید (۱۳۹۲). «تحلیل نحوه آموزش فرهنگ و بازنمایی آن در برگزیده کتاب‌های آزا از منظر نشانه‌شناسی فرهنگی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات، دانشگاه شهید بهشتی*.
- برکت، محیا و شفیعی، سمیه سادات (۱۳۹۸). «نشانه‌شناسی اجتماعی حضور زنان در تصاویر کتاب‌های غیردرسی کودکان»، *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، س ۲۰، ش ۸۴، صص ۶۱-۸۶.
- تقی‌پور، آرزو، یآوری، فریبا و مراثی، محسن (۱۳۹۸). «بازنمایی جنسیت در آثار نقاشان خودآموخته از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر»، *زن در هنر و فرهنگ*، س ۱۱، ش ۱، صص ۶۵-۸۸.
- جواهری، لادن، قیطوری، عامر و صابری، کوروش (۱۳۹۷). «مطالعه موردی نگاره‌های داستان ضحاک و سیاوش (براساس نظریه دستور خوانش تصاویر کرس و ون لیوون)»، *پژوهش‌های زبانی*، س ۹، ش ۱، صص ۵۹-۷۸.
- رضایی، طاهره و سجودی، فرزانه (۱۳۹۴). «بازنمایی جنسیت در متون دیداری کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی به غیرانگلیسی‌زبانان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر؛ مطالعه موردی: American English File (2), Four Corners (2) & Interchange (2)»، *دوماهنامه جستارهای زبانی*، ش ۳، صص ۱۱۵-۱۴۰.
- سامانی، سیامک و خیر، محمد (۱۳۸۰). «بررسی فرایند تحول مراحل مختلف هویت جنسی در کودکان ۲ تا ۷ سال»، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، س ۳۱، ش ۲، صص ۱۵۷-۱۷۳.
- عابدینی بلترک، میمنت، لیاقت‌دار، محمدجواد و منصور، سیروس (۱۳۹۳). «بازنمایی نقش‌های جنسیتی در کتاب‌های درسی سال ششم دوره ابتدایی»، *فصلنامه زن و جامعه*، س ۵، ش ۴، صص ۱۹-۳۴.

- فروتن، یعقوب (۱۳۹۰). «بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران»، *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، س ۹، ش ۹، صص ۳۹-۸۰.
- مجله آسامه (۲۰۲۱). شماره‌های ۸۱۵-۸۲۱.
- مجله رشد دانش‌آموز (۱۳۹۹). شماره‌های ۱-۹.
- محمدی، مهدی، آزاده، فریدون و باب‌الحوائجی، فهیمه (۱۳۸۹). «نقش ادبیات در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان یا تأکید بر گرایش‌های دینی و اخلاقی»، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی*، س ۵، ش ۱۰، صص ۱۰۱-۱۲۰.
- مصلح‌زاده، فاطمه و آشوری، محمدتقی (۱۳۹۶). «بررسی تصاویر مرتبط با جنگ تحمیلی در کتاب‌های درسی از دیدگاه نشانه‌شناسی اجتماعی»، *مطالعات دفاع مقدس*، س ۳، ش ۴، صص ۷۵-۹۸.
- نظری طرهان، لیلا (۱۳۹۵). «بررسی نشانه‌شناختی تصاویر کتب کودکان براساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی: مطالعه موردی کتاب فارسی پایه اول دبستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی.
- نظری طرهان، لیلا و صابری، کورش (۱۳۹۶). «بررسی نشانه‌شناختی تصاویر کتب کودکان براساس رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی: مطالعه موردی کتاب فارسی پایه اول دبستان»، *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، س ۵، ش ۱۹، صص ۱۱۹-۱۴۰.

- Gunther, K., & Van Leeuwen, T. (2006). *Reading images: The grammar of visual design*. New York, NY: Routledge.
- Harrison, C. (2003). Visual social semiotics: Understanding how still images make meaning. *Technical communication*, 50(1), 46-60.
- Hemais, B. J. W. (2014). Word and image in academic writing: A study of verbal and visual meanings in marketing articles. *ESP Today*, 2(2), 113-133.
- Jewitt, C., & Oyama, R. (2001). Visual Meaning: a Social Semiotic Approach, In: T. Van Leeuwen & C. Jewitt, *Handbook of Visual Analysis*, Los Angeles, Sage. pp.61-91.
- Van Leeuwen, T. (2005). *Introducing social semiotics*. London & New York: Routledge Taylor & Francis group.